
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع و نمونه سوالات

مبانی کارآفرینی

«مدیریت»

مولف: مژده چرخیان

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

با توجه به اینکه درس مبانی کارآفرینی امسال جزء دروس آزمون کارشناسی ارشد رشته مدیریت قرار گرفت و منبعی در این زمینه وجود ندارد تهیه منبع در این زمینه را ضروری می‌سازد.

در این کتاب سعی شد خلاصه‌ای از مباحث اصلی کارآفرینی که در کتابهای متعددی که توسط اساتید مجرب در این زمینه تألیف و چاپ شده بود، ارئه گردد و با توجه به اینکه سال اول ارائه این درس در کنکور است و منبع تست کنکوری در دسترس نیست کلیه تستهای ارائه شده در این کتاب تألیفی می‌باشد.

در انتها با تشکر از انتشارات ارشد که با تیزبینی در جهت مرتفع کردن این نیاز گام‌هایی به موقع و دقیق برداشته امیدوارم خدمتی ناچیز برای دانشجویان عزیز انجام داده باشم.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مولف ۴

فصل اول: اصول کارآفرینی و ویژگیهای کارآفرینان

مفهوم کارآفرینی ۹
کارآفرینی از دیدگاه رفتارهای مختلف ۱۳
انواع کارآفرین ۱۵
خلاصه فصل ۲۱

فصل دوم: خلاقیت و نوآوری در کارآفرینی

تعریف خلاقیت ۳۳
فرآیند خلاقیت ۳۵
تکنیکها و روشهای افزایش خلاقیت ۳۷
خلاصه فصل ۴۸

فصل سوم: فرهنگ و مدیریت کسب و کار

باورها و هنجارهای غالب بر محیط کسب و کار موفق ۶۵
راه‌کارهای توسعه فرهنگ کارآفرینی ۶۶
فرهنگ کار در ایران و سایر کشورها ۶۸
شناخت انواع کسب و کار ۷۰
چرخه حیات کسب و کارهای کارآفرینانه ۷۴
خلاصه فصل ۷۸

فصل چهارم: کارآفرینی در نظریه‌های اقتصادی و مبانی اقتصاد مهندسی

قسمت اول: ظهور کارآفرینی در اقتصاد ۹۳
مکتب اقتصادی مارکسیست‌ها ۹۵
مکتب نهادیون ۹۸
قسمت دوم: تعریف طرح تجاری ۱۰۰
مراحل ارزیابی یک طرح ۱۰۳
خلاصه فصل ۱۱۰

عنوان صفحه

فصل پنجم: کارآفرینی در دیدگاه‌های غیر اقتصادی

رویکرد ویژگی‌ها ۱۲۷
تحلیلی بر رویکرد ویژگی‌ها ۱۲۹
انواع مدل‌های کارآفرینی ۱۳۲
خلاصه فصل ۱۳۷

فصل ششم: فعالیت‌های سازمانی در کسب و کارهای کارآفرینانه

ضرورت کارآفرینی در سازمان ۱۵۳
تفاوت‌های کارکردی کارآفرینی مستقل با کارآفرینی سازمانی ۱۵۴
موانع و محدودیت‌ها برای کارآفرینان سازمانی ۱۵۵
مدل‌های ارائه شده برای ایجاد کارآفرینی در سازمان ۱۵۶
فعالیت‌های مدیریت تولید در کسب و کارهای کارآفرینانه ۱۵۹
فعالیت‌های حسابداری و مالی در کسب و کارهای کارآفرینانه ۱۶۴
خلاصه فصل ۱۶۶

فصل هفتم: کارآفرینی دیجیتالی

انکوباتورها و توسعه کارآفرینی دیجیتالی ۱۸۱
کارآفرینی دیجیتالی ۱۸۲
نظریه شبکه‌های اجتماعی مرتبط با کارآفرینی ۱۸۴
تأثیر فناوری بر بازار کار ۱۸۵
کسب و کار الکترونیکی ۱۸۶
تجارت الکترونیک ۱۸۸
خلاصه فصل ۱۹۱

فصل اول

اصول کارآفرینی و ویژگی‌های کارآفرینان

عناوین اصلی

- مفهوم کارآفرینی
- کارآفرینی از دیدگاه علوم رفتاری
- انواع کارآفرینی

فصل اول

اصول کارآفرینی و ویژگیهای کارآفرینان

مفهوم کارآفرینی

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی Entreprendre، به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. واژه‌نامه دانشگاهی و بستر واژه کارآفرین را اینگونه تعریف نموده است: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند و بر اساس فرهنگ لانگمن کارآفرین شخصی است که یک فعالیت اقتصادی را آغاز و برای کسب درآمد آن فعالیت را سازماندهی نموده و مخاطرات احتمالی آنرا پذیرا باشد.

واژه کارآفرینEntrepreneur، توسط جان استوارت میل به زبان انگلیسی ترجمه شده و او کارکرد و عمل کارآفرین را شامل هدایت، نظارت و کنترل و مخاطره پذیری می‌دانست و عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را مخاطره پذیری معرفی می‌کرد.

با تعریفی که از کارآفرینی ارائه گردید، کارآفرین منتظر سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال از طرف دولت نیست او خود با شناخت صحیح از فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های راکد، امکاناتی را فراهم نموده و با سازماندهی و مدیریت منابع ایده خود را عملی می‌نماید.

ازدیدگاه آکادمیک، کارآفرینی و توسعه کسب و کار جدید تنها در نیمه دوم قرن گذشته تدریس شده است در بیشتر کالج‌ها و دانشگاه‌ها آموزش کارآفرینی در مرحله بسیار ابتدایی آن قرار دارد اما در قرن بیست و یکم ضروری است که کارآفرین در هر دو سطح بومی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. تعدادی از مهم‌ترین و معروفترین تعریفهای کارآفرینی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

کارآفرینی عبارتست از:

- پروسه ایجاد ثروت
- پروسه تخریب خلاق
- پروسه هدایت به خلق سازمان جدید بدون توجه به نوع و پتانسیل سازمان
- توسعه موقعیتها و اقدامهای نوآورانه همراه با خطر، چه در سازمانهایی که قبلاً تأسیس شده یا به صورت آزاد و مستقل
- روش اداره‌ای است که فرصتها را بدون در نظر گرفتن منابع موجود و قابل کنترل فعلی تعقیب می‌کند.
- وظایف، فعالیتها و اعمالی که برای تحقق فرصت شناخته شده و ایجاد سازمانی مناسب با آن، کمک می‌کند.
- پروسه‌ای است فراتر از شغل و حرفه بلکه کارآفرینی یک شیوه زندگی است

(Philip A. Nech Robert E. Nerson Gcoffrey)

اهمیت و نقش کارآفرینی

کارآفرین برای هر جامعه دارای سه منفعت است این منافع عبارتند از:

افزایش و رشد اقتصادی، ارتقاء، بهره‌وری و پدید آمدن تکنولوژی‌ها، محصولات و خدمات جدید.

۱. **رشد اقتصادی:** توانایی کارآفرینان در بهره‌گیری از فرصت‌ها نیروی آنها در نوآوری و ظرفیت آنها در قبال موفقیت بعنوان معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین بوسیله آنها سنجیده می‌شود. کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل شرکت‌های جدید سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند.

۲. بهره‌وری: افزایش بهره‌وری به بهبود تکنیک‌های تولید و نحوه انجام تولید بستگی دارد و به نظر جان کن دریک John (Ken Drick) افزایش بهره‌وری به یک چیز بستگی دارد و آن عمل کارآفرینانه است. دو عامل کلیدی مؤثر در افزایش بهره‌وری تحقیق و توسعه (R&D) و سرمایه گذاری دستگاه‌ها و کارخانه‌های جدید است. طبق نظر "کن دریک" بین تحقیق و توسعه و برنامه‌های سرمایه گذاری بهره وری به معنای توانایی تولید کالاها و خدمات بیشتر با نیروی کمتر و داده‌های جدید با ورودی‌های کارآفرینانه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

عامل مؤثر دیگر بر رشد بهره وری، قوانین و خط مشی‌های کلان اقتصادی دولت همانند مالیات، مخارج و میزان نقدینگی می‌باشد به نظر" کن دریک" در اینگونه موارد کارآفرینان اهمیت ویژه‌ای می‌یابند چرا که می‌توانند پیامدهای منفی مقررات و قوانین را کاهش **دهند.**

۳. **تکنولوژی‌ها ، کالاها و خدمات جدید:** معمولاً بسیاری از افراد که با نوآوری محصولات و تکنولوژی جدید را خلق می‌کنند کسانی هستند که از شرکت‌های بزرگ خارج شده و پس از آن با نوآوری به یک کارآفرین تبدیل شده‌اند. شرکت‌های بسیاری با تلاش‌های نوآورانه کارآفرینان طی دهه‌های گذشته شکل گرفته است خط تولید انبوه«هنری فورد» نمونه‌ای از نوآوری کارآفرینانه محسوب می‌شود گاهی اوقات یک نوآوری کارآفرینانه برای افراد دیگر دست مایه‌ای می‌شود تا فعالیتی را آغاز کنند.

کارآفرینان بعنوان موتور توسعه اقتصادی نقشهای مختلفی را در جامعه ایفا می‌کنند که هر یک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است فهرست زیر خلاصه‌ای است از آثار و نقشهای کارآفرینان در جامعه.

- کارآفرینی موجب انتقال تکنولوژی است.
- کارآفرینی عامل ترغیب و تشویق سرمایه گذاری می‌شود.
- کارآفرینی عامل تعادل در اقتصاد پویا است.
- کارآفرینی عامل تحریک و تشویق حس رقابت است.
- کارآفرینی عامل شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید است.
- کارآفرینی موجب تحول و تجدید حیات ملی و محلی است.
- کارآفرینی عامل نوآوری و روان کننده تغییر است.
- کارآفرینی عامل اشتغال زایی است.

دیدگاههای مختلف نسبت به کارآفرینی

کارآفرینی از دیدگاه اقتصاد دانان

کارآفرینی و کارآفرینان برای اولین بار مورد توجه و بحث اقتصاد دانان قرار گرفتند بگونه‌ای که بیشتر مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی درباره آنان سخن گفته‌اند. (در فصل چهارم به بررسی دیدگاه هر یک از مکاتب اقتصادی در مورد کارآفرینی می‌پردازیم) طبق نظر اقتصاددانان، کارآفرینان ویژگیهای خاصی داشته و کارکردها و فعالیتهای متنوعی به آنها نسبت داده می‌شود. اگر چه مفهوم کارآفرینی برای اولین بار در نظریات اقتصادی مطرح شد اما رفته رفته با گرایش پیدا کردن مباحث اقتصادی به استفاده از مدل‌ها و روش‌های ریاضی و آماری عملاً این مفهوم از تئوری‌های اقتصادی حذف و رشته‌های علمی دیگری به بحث در مورد آن پرداختند.

در ادامه بر اساس سیر تاریخی، تعاریف کارآفرینی و کارآفرینان از دیدگاه اقتصاددانان بررسی می‌گردد. در اوایل قرن هجدهم، برنارد دوبلیدور، اقتصاد دان فرانسوی تعریفی فراگیر را ارائه نمود که عبارتست از خریداری نیروی کار و مواد اولیه به بهایی نامعین و به فروش رساندن محصولات به بهایی طبق قرارداد.

ریچارد کانتیلون R. Cantillon، در حدود سال ۱۷۳۰ بین زمین داران، دستمزد بگیران و کارآفرینان تمایز قائل شد. او به سه عنصر اصلی در خصوص فعالیت کارآفرینان اشاره نمود، اول آنکه آنها در یک محیط همراه با عدم قطعیت فعالیت می‌کنند، دوم آنکه آنها در صورت نداشتن توانایی زیاد برای فعالیت اقتصادی، با فساد و تباهی خاصی مواجه می‌شوند و سوم اینکه آنها سرمایه اولیه را خودشان فراهم می‌آورند. کارآفرین در هنگام خرید از قیمت نهایی محصولات اطلاع ندارد از اینرو کانتیلون عناصر هدایتگری و حدس و گمان را در تعریف کاربردی خود وارد می‌نماید.

آدام اسمیت(۱۷۷۵) نقش کارآفرین را در صحنه فعالیت فراگیر اقتصادی بسیار جزئی می‌دانست وی معتقد بود که کارآفرین سرمایه فراهم می‌نماید اما هرگز نقش پیشرو و هدایتگرانه تدارد وی با کارآفرین همچون یک انسان برخورد نمی‌کرد بلکه به آن موجودیتی غیر انسانی می‌بخشید. اقتصاد دانان اواخر سده هجدهم از قبیل فرانسو اکنر و نیکلاس بودو زمین را یگانه سرچشمه ثروت می‌دانستند و کشاورزان را کارآفرین می‌خواندند.

جان باتیست سی Jan Baptist say ، اشراف زاده و صنعتگر فرانسوی ۱۸۰۳ درباره کارآفرین می‌نویسد: کارآفرین عاملی است که تمامی ابزار تولید را ترکیب می‌کند و مسئولیت ارزش تولیدات، بازیافت کل سرمایه‌ای را که بکار می‌گیرد، ارزش دستمزدها، بهره و اجاره‌ای که می‌پردازد و همچنین سود حاصل را به عهده می‌گیرد. در واقع وی تنها بر اهمیت کارآفرین در کسب و کار تأکید دارد و کارآفرین را در ارتباط با نوآوری یا ایجاد سرمایه مورد بحث قرار نمی‌دهد.

در اواخر دهه ۱۸۷۰ فرانسیس واکر وجه تمایز سرمایه دار و کارآفرین را مورد تأکید قرار داد و کارآفرینان را مهندسان پیشرفت صنعتی و عوامل اصلی تولید خواند.

در سال ۱۸۸۲ فردریک هاولی مخاطره پذیری را صفت بارز کارآفرینان دانست اما آنها را همچون زمین، کار و سرمایه در زمره عوامل تولید تلقی می‌نمود.

در اواخر سده ۱۹ جان کامونز به گونه‌ای غیر اصولی سود حاصل از مخاطره پذیری را از انواع دیگر سودها متمایز نمود بنظر او این سود بر حسب تغییر وضعیت اقتصادی متغیر و ناپایدار است.

جان بتیس کلارک(John Bates Clark) نخستین فردی بود که میان سود کارآفرینانه و مازاد بر بهره و کاربرد موفقیت آمیز پیشرفت‌های فناوری بازرگانی یا تشکیلاتی در فرآیند اقتصادی ارتباط برقرار ساخته است.

در اوایل سده بیستم «آرتور استون دوینگ» (A.S.Dewing) مؤسس یا توسعه دهنده را فردی می‌دانست که فکرها را به کسب و کاری سودآور تبدیل می‌نمود وی ویژگی‌هایی همچون قدرت تحلیل، ابتکار و واسطه‌گری را برای مؤسس قائل بود.

بر طبق نظر شومپیتر(Joseph Schumpeter) کارآفرین نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است و نقش وی عبارتست از نوآوری یا ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد. وی نقش مدیران و افرادی که کسب و کار ایجاد می‌نمایند را از مفهوم کارآفرین جدا نمود وی مدیر را تنها هنگامی کارآفرین می‌داند که تخریب خلاق یا نوآورانه از خود بروز می‌دهد.

همانطور که اشاره شد از دیدگاه شوپیتر نوآوری ملاک کارآفرینی است وی می‌گوید ویژگی تعیین کننده همانا انجام کارهای نو یا ابداع روش نو در انجام کارهای جاری است روش نو عبارتست از تخریب خلاق نسبت به وضعیتی که خود لااقل سه ویژگی اساسی دارد: نخست اینکه عملاً نمی‌توان آنرا بر اساس احتمالات آینده درک نمود دوم اینکه تخریب خلاق سیر رویدادهای آتی و نتایج درازمدت آنها را شکل می‌دهد و آخر اینکه تخریب خلاق با موارد ذیل ارتباط دارد:

الف) کیفیت عوامل انسانی موجود در جامعه

ب) قابلیت‌های موجود در زمینه خاصی از کسب و کار

ج) تصمیمات، اقدامات و الگوی رفتار فردی

هایک ۱۹۳۷(F.A. Hayek) به نقش کارآفرین در تحصیل و بکار بردن اطلاعات تأکید می‌ورزد او کارآفرین را کسی می‌داند که نسبت به تغییرات واکنش نشان می‌دهد او بر بداعت فعالیت کارآفرین تأکید نمی‌نماید و معتقد است که تصمیم صحیح همواره تصمیم بر نوآوری نیست.

آرتور کول(۱۹۴۶): کارآفرینی را با فعالیت‌های عمومی و مستمر مدیران یکسان می‌دانست و آن را فعالیت هدفمند فرد یا گروهی از افراد برای ایجاد، حفظ یا توسعه واحد خود، برای کسب و کار و به قصد تولید یا توزیع کالا و خدمات می‌دانست نوآوری تنها زمانی در دنیای کسب وکار موفقیت آمیز خواهد بود که نهاد ارائه کننده آن به نحوی کارآمد اداره شود.

کلارنس دانهوف: معتقد بود که ذهن کارآفرین متوجه تغییر فرمول است و زمان کمی را صرف اجرای یک فرمول خاص می‌کند وی عمل کارآفرین را به سه بخش تقسیم می‌کند: تحصیل اطلاعات مرتبط، ارزیابی از لحاظ سودآوری و راه اندازی و عملیات. از نظر وی تصمیم گیری نقش بنیادی در عملکرد کارآفرین دارد.

کرایزنر(Krizner: در بعضی از کتب کرزنر ترجمه شده) معتقد است که کارآفرین در اغلب مواقع مالک منابع هم خواهد بود. وی همچنین معتقد بود مشکل اصلی اقتصاد هر جامعه‌ای نشأت گرفته از عدم درک فرصتها است بعبارتی دیگر به عقیده وی کارآفرینی یعنی آگاهی از فرصتهای سودآور و کشف نشده.

شولتز(۱۹۸۰): معتقد است که کارآفرینی توانایی مقابله با عدم تعادل می‌باشد نه توانایی مقابله با عدم قطعیت.

هربرت ولینک(۱۹۸۲): کارآفرین را متخصص در پذیرش مسئولیت برای اتخاذ تصمیماتی می‌دانند که بر محل مشکل و کاربرد کالاها و منابع موسسات تأثیر می‌گذارد.

از نظر کامسون(۱۹۸۲): کارآفرین فردی است که تخصص وی تصمیم گیری عقلایی و منطقی در خصوص ایجاد هماهنگی در منابع کمیاب می‌باشد. وی می‌کوشد تا با ارائه مفهوم واسطه گری عنصری مشترک را در میان کارآفرینان تشخیص دهد.

روبرت رونشتات Robert Ronstadt: ۱۹۸۵ معتقد است که کارآفرینی فرآیند پویای ایجاد ثروت بیشتر است این ثروت را افرادی ایجاد می‌کنند که مخاطره بزرگ را بر حسب سرمایه، زمان و تعهد شغلی در قبال تعیین ارزش کالا یا خدمات می‌پذیرند.

ویلکن(۱۹۹۲) معتقد است که: کارآفرینی بعنوان یک تسریع کننده، جرقه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد او چهار دسته از عوامل را برای ظهور کارآفرینی مهم می‌شمارد:

عوامل اقتصادی: مزیتهای بازار، فراهم بودن سرمایه

عوامل غیر اقتصادی: مقبولیت کارآفرین، تحرکات اجتماعی، امنیت و عواملی همچون طبقه اجتماعی، قدرت و کنترل
عوامل روانشناختی: نیاز به توفیق، انگیزه‌ها و مخاطره پذیری.
ترکیب عوامل تولید: به منظور ایجاد تغییر در تولید محصولات و خدمات.
کرچهوف (۱۹۹۴) کارآفرینان را افرادی می‌داند که شرکتهای جدیدی را که سبب ایجاد و رونق شغل‌های جدید می‌شوند، را شکل می‌دهند.

کارآفرینی از دیدگاه علوم رفتاری

از اواسط قرن بیستم روانشناسان، جامعه شناسان و دانشمندان علوم رفتاری به تحقیق در خصوص کارآفرینی پرداختند که در اینجا به تعدادی از مهمترین این نظرات اشاره می‌شود:

رابرت لمب (۱۹۵۲): معتقد به نقش کارآفرین بعنوان تصمیم گیرنده است.
مک کله‌لند (۱۹۶۱): معتقد بود که فرد کارآفرین کسی است که یک شرکت (یا واحد اقتصادی) را سازماندهی می‌کند و ظرفیت تولیدی آن را افزایش می‌دهد وی همچنین ویژگی‌های کارآفرین را داشتن نیاز به توفیق بالا و مخاطره پذیری معرفی نمود.
ژوزف مک گوایر (۱۹۶۲): نقش کارآفرینی در جوامع مختلف را با توجه به تنوع فرهنگی متفاوت می‌داند و به نظر وی منابع طبیعی و سرمایه نقدی ممکن است یکسان باشد اما آنچه را که باید در درک تفاوت رفتار مورد توجه قرار داد عواملی همچون:

۱. عقاید اجتماعی
۲. هنجارها
۳. پاداش رفتارها
۴. آرمانهای فردی و ملی
۵. مکاتب دینی تعلیم و تربیت است.

شالن برگر(۱۹۶۸): کارآفرینان را مترادف با صفاتی مانند جسور، مخاطره جو، مخاطره پذیر، و مجری می‌داند و واژه‌هایی همچون سازگاری، محافظه کاری و روزمرگی را متضاد با کارآفرینی می‌داند.
هاری (۱۹۷۹): فعالیت کارآفرین را به دو دسته تقسیم می‌کند: وظیفه اول وظیفه اجرایی است یعنی مدیریت امور و رفع نیازهای افراد، وظیفه دوم رابط بودن است یعنی انتقال احساسات به دیگران.
واندرورف وبراش (P.rander werf a.c.Brush ۱۹۸۹) هنگام بررسی ۲۵ تعریف کارآفرینی دریافتند که کارآفرینی بعنوان یک فعالیت تجاری مشتمل بر اشتراک رفتارهای زیر است:

ایجاد: یعنی تأسیس یک واحد تجاری یا یک کسب و کار جدید.
مدیریت عمومی: یعنی هدایت و سازماندهی یک فعالیت تجاری و تخصیص منابع.
نوآوری و خلاقیت: یعنی خلق و بهره برداری تجاری از کالا خدمت فرآیند بازار مواد اولیه یا سازمان جدید.
ریسک پذیری: یعنی قبول و شهامت داشتن در مواجهه با زیان یا شکست بالقوه زیاد یک واحد تجاری.
قصد و نیت: یعنی داشتن ایمان قوی در دستیابی به سطوح بالای رشد و سود یک واحد تجاری.

با جمع بندی نظریات دانشمندان علوم رفتاری در مورد کارآفرینی و کارآفرینان و با خارج شدن از نظریات اقتصادی همراه با پررنگ تر شدن نقش کارآفرینان در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، روانشناسان با هدف ارائه نظراتی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت قائل شدن بین کارآفرینان و غیر کارآفرینان به بررسی ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینان پرداختند علاوه بر روانشناسان، جامعه شناسان نیز دیدگاههای جدیدی در مورد کارآفرینی و کارآفرینان ارائه کرده‌اند. ابداع و معرفی نظریه‌های اجتماعی، فرهنگی یعنی مطالعه تأثیر محیط و فرهنگ در اقدام افراد به کارآفرینی و نظریه شبکه‌های اجتماعی از جمله کارهای جامعه شناسان است که به دنیای کارآفرینی و کارآفرینان عرضه کرده‌اند. در نظریه شبکه‌های اجتماعی، کارآفرینی بعنوان فرآیندی در نظر گرفته شده است که در شبکه‌های متغییری از روابط اجتماعی واقع شده به گونه‌ای که این روابط اجتماعی می‌تواند رابطه کارآفرین را با منابع و فرصت‌ها محدود نموده یا آن را تسهیل نمایند.

کارآفرینی از دیدگاه دانشمندان مدیریت

گرچه شروع نظریه پردازی‌ها در مورد کارآفرینی و کارآفرینان با دانشمندان رشته اقتصاد و ادامه آن نیز با رفتاریون بوده است اما به جرأت می‌توان ادعا کرد که بیشترین کار را علما و دانشمندان مدیریت انجام داده‌اند. محققان عمدتاً رویکرد فرآیندی را در تشریح و تبیین مدیریت کارآفرینی انتخاب کرده‌اند و به ایجاد و خلق بستر و محیط کارآفرینانه در سازمان‌ها و محیط آنها پرداخته‌اند. همانند دیگر رشته‌ها در مدیریت نیز دانشمندان و نظریه پردازان مختلف و متعددی در مورد کارآفرینی و کارافرینان تئوری پردازی کرده‌اند که در زیر به بعضی از آنها پرداخته می‌شود:

لیبنشتاین (H.Leibenstein ۱۹۶۸) کسی را کارآفرین می‌داند که با اجتناب از بی‌کفایتی‌های دیگران به کامیابی دست می‌یابد. ویژگی عمده دیدگاه وی آن است که تأکید می‌ورزد در دنیای واقعیات، کامیابی استثناء است و شکست قاعده می‌باشد. از نظر وی کارآفرین کسی است که یکی از فعالیتهای ذیل را انجام دهد:

۱. بازارها را یکپارچه و متحد و مرتبط سازد.
۲. خلآها و شکافهای بازار را پر نماید.
۳. با صرف وقت خود را درگیر تغییرات ساختاری و سازمانی نماید.
۴. کلیه عوامل را برای تولید و بازاریابی یک محصول مهیا نماید.

کالینز و مور (۱۹۷۰) کارآفرین را شخصی می‌دانند که نمی‌تواند اختیار را قبول کند و در صدد فرار از زیر آن است. بعلاوه آنها بین کارآفرین، نوآور و کارآفرین اداری فرق قائل شده‌اند. از نظر آنها کارآفرین نوآور کسی است که کسب و کاری را آغاز می‌کند و کارآفرین اداری کسی است که از نردبان سلسله مراتب سازمان بالا می‌رود.

آلبرومارتین(۱۹۷۱) با مطالعه آثار دیگران نتایج ذیل را در خصوص کارآفرین جمع بندی نمود:

۱. فردی که صاحب یک موسسه است و یا دستورات مربوط به کار را صادر می‌کند ضرورتاً کارآفرین نمی‌باشد.
۲. فردی که مخاطره سرمایه خود را بر عهده می‌گیرد ضرورتاً یک کارآفرین نیست بلکه فقط یک سرمایه‌گذار است. اما فردی که شهرت، حیثیت و آبرو یا بخشی از یک سازمان بزرگ را در نتیجه نوآوری خود که از طریق آن شناخته شده است به خطر بیندازد بعضی از پیش شرطهای کارآفرینی را دارا می‌باشد.
۳. یک فرد خلاق در معنای هنری یا ادبی ضرورتاً کارآفرین نمی‌باشد کارآفرین از طریق فکرهای خلاق اقدام به نوآوری نمی‌کند بلکه از طریق شناختن ارزش فکرها و بهره‌گیری از آنها چیزهایی نو را خلق می‌کند.

آلبرت شاپیرو (۱۹۷۵) پیشنهاد نموده که تمرکز به فرد کارآفرین باید بیش از تمرکز بر حادثه کارآفرینی باشد. در این زمینه او بیان می‌دارد که حادثه کارآفرینی دربرگیرنده موارد زیر است:

- ابتکار و خلاقیت بصورت فردی یا گروهی
- سازماندهی یا سازماندهی مجدد ساز و کارهای اقتصادی- اجتماعی برای تغییر شرایط و قراردادن منابع در فرآیندهای عملی.
- مدیریت اجرایی: مدیریت اجرایی سازمان توسط کسانی که از ابتکار استقبال می‌نمایند.
- پذیرش ریسک شکست
- استقلال نسبی: سهیم بودن در موفقیت یا شکست سازمان

کی یرلوف(۱۹۷۹): سه وظیفه اساسی را برای همه کارآفرینان موفق تعیین کرده است.این وظایف عبارتند از: نوآوری، سرمایه گذاری و مدیریت.

بروکهاوس (۱۹۸۰): سه سطح مخاطره را شناسایی می‌کند: مخاطره کلی کارآفرینی، احتمال شکست و پیامدهای آشکار شکست.

پیتر دراکر(۱۹۸۵): معتقد است که کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌نماید. بطور کلی وجه اشتراک تمامی تعریفهای ارائه شده از سوی دراکر را می‌توان بصورت زیر جمع بندی کرد:

کارآفرینان تغییر دهنده ارزش‌ها هستند، ریسک پذیرند به سرمایه نیاز دارند هیچ وقت سرمایه گذار نیستند، به درستی تصمیم می‌گیرند، همواره بدنبال تغییر بوده و آنرا اصل مسلم می‌دانند قدرت شناسایی فرصت‌ها را دارند مفاهیم و فنون مدیریتی را به کار می‌گیرند رفتارگرا و عمل گرا هستند و بالاخره اینکه بر مبنای نظریات اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند.

بنابر نظر« ویلیام بائومول» (۱۹۸۶) فعالیت کارآفرینانه بر دو نوع می‌باشد یکی ابداعی و دیگری تقلیدی. کارآفرینان ابداعی محصولات فنون تولیدی و شیوه‌های جدیدی را ارائه می‌کنند. کارآفرینان تقلیدی از سوی دیگر کارهای کارآفرینان ابداعی را مشابه سازی و تکرار می‌نمایند.

تیمونز معتقد است که کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچی است کارآفرینی ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و پیگیری آنها بدون توجه به منابع موجود است. کارآفرینی به معنی خلق و توزیع ارزش و منابع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه است. و کارآفرینی معادل یک شبه پولدار شدن نیست.

کارآفرینی از اواسط دهه ۱۹۷۰ جزئی از رفتار مدیران در نظر گرفته شد و به سطح مطالعات سازمانی نیز کشیده شد که در این خصوص در فصل ششم به بحث می‌پردازیم.

انواع کارآفرین

در یک نگاه کلی می‌توان کارآفرینی را به دو نوع اساسی کارآفرینی فردی و کارآفرینی گروهی تقسیم کرد که طبقه اول یعنی کارآفرینی فردی به دو زیر گروه کارآفرینی مستقل(آزاد) و کارآفرینی درون سازمانی تقسیم می‌شود و کارآفرینی گروهی شامل کارآفرینی سازمانی است که متعاقباً به تعریف هر یک می‌پردازیم:

کارآفرینی مستقل (آزاد) Independent entrepreneurship :

فرایندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه‌را به طور آزاد به ثمر برساند.اساساً سه انگیزه اولیه باعث می‌شود که کارآفرینان برای خود کار کنند:

الف) نیاز به پیشرفت

ب) علاقه به آزادی و استقلال

ج) احتیاج به رضایت شغلی

کارآفرینی درون سازمانی(intra prener ship):

فرایندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه را در سازمانی که معمولاً سنتی و بروکراتیک است به ثمر رساند.

پینکات می‌گوید: کارآفرینی درون سازمانی، فرآیندی است که از طریق آن کارآفرینان در سازمان سبب تغییر می‌گردند. کوران وال وپرلمن معتقدندکه کارآفرینی درون سازمانی پروسه‌ای است که از طریق آن محصولات فرآیندها و ایده‌های جدید در سازمان به اجرا گذاشته می‌شود و توسعه می‌یابند او می‌افزاید پروسه کارآفرینی درون سازمانی بکلی با پروسه کارآفرینی مستقل فرق دارد و تفاوت در وضعیت محیطی آن‌ها، برای هر یک محدودیت‌ها و اشکالاتی را بوجود می‌آورد.

کارآفرینی سازمانی corporate entrepreneurship

فرآیندی است که سازمان طی می‌کند تا همه کارکنان بتوانند در نقش کارآفرینی انجام وظیفه کنند و تمام فعالیت‌های کارآفرینانه فردی و گروهی بطور مستمر، سریع و راحت در سازمان مرکزی یا شرکت تحت پوشش خود مختار به ثمر برسند.

فرق کارآفرینی سازمانی و کارآفرینی درون سازمانی در این است که کارآفرینی سازمانی شرایط و بستری را در سازمان فراهم می‌کند که اولاً هر شخص یا گروهی که بخواهد پروسه کارآفرینی درون سازمانی را طی کند بتواند راحت، سریع و اثر بخش آنرا به اجرا درآورد. ثانیاً محرک، مشوق و آموزش دهنده افراد برای اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه باشد.

طبقه بندی‌های دیگری نیز از کارآفرینی موجود است که در زیر بطور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

اسمیت دو نوع از کارآفرینان را معرفی می‌کند:

۱. **کارآفرینان افزارمند:** آنها کارفنی را به کار مدیریتی ترجیح می‌دهند نوعاً از سطح پائینی از آگاهی و مشارکت اجتماعی برخوردارند و متمایل به اجتناب از ارتباطاند. معیار موفقیت کارآفرینان افزارمند یا صنعتگر بیشتر رضایت مشتریان است.

۲. **کارآفرینان فرصت‌گرا:** سطح عالی تحصیلات و تنوع وسیعی از تجربیات کاری و سطح بالایی از آگاهی‌های اجتماعی دارند و از مشارکت اجتماعی بالایی برخوردارند. سود کسب و کار، درآمد شخصی و رشد سازمان معیارهای موفقیت کارآفرینان فرصت‌گرا است.

برگر وبرانسون در سال ۱۹۸۱، طبقه کارآفرینان انسان مدار را به طبقه‌بندی اسمیت افزودند و معیار موفقیت کارآفرینان انسان مدار، تمایل زیاد به تعامل با افراد و ارتباط واقعی با کارکنان و رضایت مشتریان است.

در طبقه بندی دیگر، جانجا با توجه به میزان فعالیت کارآفرینی انواع مختلف کارآفرینی را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱. **کارآفرینی اداری:** به توسعه تولیدات، فرآیندها و شیوه‌های جدید یا توسعه وضع موجود اولویت بالایی می‌دهد

۲. **کارآفرینی فرصت گرایانه:** این رویکرد به ارزیابی گسترش و توسعه نوآوری‌های تکنولوژیکی داخلی و خارجی تأکید می‌کند وجود یک محصول برتر نشانه یک رویکرد فرصت گرایانه در قبال کارآفرینی داخلی است.

۳. **کارآفرینی اکتسابی:** در این مورد کارآفرینی از طریق اکتساب توانایی‌های فنی دیگر شرکت‌ها و از طریق همکاری مشاوره یا انعقاد قرارداد با آنها صورت می‌گیرد تا به تکنولوژی‌های آنها دست یابند.

۴. **کارآفرینی پرورشگاهی:** این امر نیازمند ایجاد واحدهای نیمه مستقل در شرکت‌های موجود برای اندیشیدن، آغاز کردن و تقویت شرکت‌های جدید است با توجه به ریسک بالای نوآوری در فعالیت‌های تجاری واحدهای نیمه مستقل به کارآفرینی داخلی کمک می‌کنند.

۵. **کارآفرینی تقلیدی:** در این رویکرد نوآوری محدود به تقلید یا ایجاد تغییرات ساده در بسته بندی یا طراحی است.

کارآفرین کیست؟

افرادی که یک فرصت شغلی جدید را در صنعت ایجاد می‌کنند کارآفرین هستند به بیان کلی‌تر کارآفرینان، منابع را مدیریت می‌کنند تا چیز تازه‌ای بسازند اعم از شغل تازه، کالا،خدمات یا حتی بازار تازه.

آنچه کارآفرینان موفق را از کارآفرینان دیگر متمایز می‌کند سرعت توسعه فعالیت اقتصادی آنان است. آنهایی بیشتر موفق هستند که فعالیت اقتصادی‌شان را بتوانند رشد دهند. آنها موقعیتهایی را که در بازار، دیگران به آنها توجهی نمی‌کنند، می‌یابند و همچنین ایده بهره برداری کردن از این موقعیت‌ها را در ذهن خود شکل می‌دهند. مردم اغلب فکر می‌کنند کارآفرینان در ابداع موفق هستند چون آنها کالا یا خدمات تازه‌ای ابداع می‌کنند مثل موتورجستجوی یاهو. اما اینطور نیست و اغلب کارآفرینان موفق کار خود را با افزایش در کیفیت یک کالا یا محصول آغاز می‌کنند بدون اینکه چیز تازه‌ای ابداع کرده باشند.

رویکرد ویژگیها:

تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشترک قابل تأملی بین کارآفرینان وجود دارد. البته این ویژگیها منحصر به فرد نبوده و هر یک از کارآفرینان بالقوه یا بالفعل به یک نسبت از این ویژگی‌ها برخوردار نیستند. برخی از ویژگیهای مشترک کارآفرینان به شرح زیر است:

۱. **نیاز به موفقیت:** عبارتست از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی به قصد موفقیت در موقعیت‌های رقابتی.

۲. **استقلال طلبی:** بعنوان یک نیروی انگیزشی مهم برای کارآفرینان بر آن تأکید شده است. در واقع استقلال طلبی را می‌توان با عباراتی نظیر «کنترل بر سرنوشت خویش»، «کاری را برای خود انجام دادن» و «رئیس خود بودن» تعریف کرد.

۳. **تحمل ابهام:** قدرت ابهام عبارتست از پذیرفتن عدم قطعیت بعنوان بخشی از زندگی توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بدون آنکه شخص بداند موفق خواهد شد یا خیر.

۴. **کانون کنترل درونی:** این عقیده که شانس یا سرنوشت زندگی شخصی فرد را کنترل نمی‌کند، از خصوصیات ویژه کارآفرینان است.

۵. **مخاطره پذیری:** «لایز» و« بروکهاوس» معتقد بودند که تمایل به پذیرش مخاطره‌های معتدل، از ویژگی‌های بارز کارآفرینان است و ماینر در سال ۱۹۹۰ نشان داد که کارآفرینان موفق کمتر از مدیران از مخاطره پرهیز می‌کنند.

۶.هدف گرا: آنها همیشه به فکر اهداف طولانی مدت خود بوده و کارهایی که امروز انجام می‌دهند در راستای اهداف آینده‌شان است. آنها همیشه چیزی را مورد هدف قرار داده و اهداف آنها معمولاً عادی نیستند به همین دلیل دیگران آنها را بلند پرواز می‌نامند.

۷. نوآور: کارآفرینان همواره در مقابله با موقعیت‌ها از راه‌ها و روش‌های جدید استفاده می‌کنند آنها از توانایی‌های خود در خلاقیت لذت می‌برند.

رویکرد رفتاری

بر خلاف رویکرد روانشناختی که بر ویژگی‌های شخصیتی فرد تأکید دارد، رویکرد رفتاری بر فعالیت‌های کارآفرین متمرکز می‌باشد.

در این دیدگاه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین تابع رفتار او است و به دنبال یافتن پاسخ به این سئوال می‌باشد که چگونه یک شرکت نوپا بوجود می‌آید؟

آرتور کول اولین اقتصاد دانی بود که با اتخاذ یک دیدگاه رفتاری وظیفه کارآفرینی را بعنوان یک عامل اقتصادی این گونه شرح داد:

«کارآفرینی تمام ابزار تولید را در هم ادغام می‌نماید.»

بعضی از فعالیتهای کارآفرین بدین شرح است:

۱. کارآفرین از موقعیت‌های محیط آگاه می‌شود.
۲. برای استفاده از آن خود را به خطر می‌اندازد.
۳. برای کار سرمایه گذاری می‌کند.
۴. نوآوری‌ها را معرفی می‌کند.
۵. کار وتولید را نظم می‌بخشد.
۶. تصمیم می‌گیرد.
۷. برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند.
۸. محصولات خود را با سود می‌فروشد.

به عبارت دیگر در دیدگاه رفتاری، کارآفرینی نقشی است که افراد به منظور ایجاد شرکت‌های نوپا به عهده می‌گیرند.

تحلیلی بر تعاریف ارائه شده در خصوص کارآفرینی

تقریباً در همه تعاریف کارآفرینی، این توافق وجود دارد که در مورد رفتاری بحث می‌کنیم که:

۱. پیشگام است
۲. ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی را برای تبدیل منابع و موقعیتها به وضعیت عملی، سازماندهی یا سازماندهی مجدد می‌کند
۳. با مخاطره و شکست همراه است.

از نظر اقتصاد دانان، کارآفرین کسی است که منابع، نیروی کار، مواد و سایر دارایی‌ها را با هم ترکیب می‌کند تا ارزش آنها را نسبت به قبل بیشتر نماید. همین‌طور کسی است که تحولات، نوآوریها و نظم جدیدی را بنیان می‌نهد. از منظر روانشناسان کسی است که عموماً با نیروهای مشخصی پیش می‌راند، نیروهایی از قبیل نیاز به کسب یا رسیدن به چیزی، تجربه کردن، انجام دادن یا شاید فرار از سلطه دیگران.

کارآفرینی فرآیند پویای تولید تدریجی ثروت است. کسانی این ثروت را تولید می‌کنند که ریسکهای بزرگ مالی، زمانی ویا تعهد شغلی را می‌پذیرند یا برای بعضی محصولات و خدمات ارزش می‌آفرینند. محصول یا خدمت ممکن است جدید یا منحصر به فرد باشد ولی نکته اساسی در ارزشی است که کارآفرین به آن می‌بخشد کارآفرین با درک و جایابی مناسب مهارتها و منابع می‌تواند ارزش فوق را ایجاد نماید.

برای مطالعه بیشتر

بررسی تحقیقات کارآفرینی

تحقیقات کارآفرینی در اوایل دهه ۱۹۸۰ بطور خلاصه همانند قصه مردان نابینایی است که برای اولین مرتبه با موجودی به نام فیل مواجه می‌شوند. در سال ۱۹۸۰ با وجود نابینایی محققین فیل کارآفرینی درزیر نور ضعیفی آزموده می‌شد این فیل برای آنان حیوانی متفاوت بود بطوریکه حتی اعضای آن نیز برایشان غیر معمولی می‌نمود.از اینرو محققین سعی کردند تا این حیوان را در محدوده خودشان شناسایی نمایند.

اندک اندک و تا سال ۱۹۸۵ مقدار نور تا حدی افزایش یافت بطوریکه شمای ظاهری این فیل روشن گردید و تفکراتی در مورد ماهیت اعضای مختلف آن شکل گرفت و تردیدهایی که نسبت به بعضی از اعضای آن وجود داشت برطرف گردید، بطوریکه برای مثال خصوصیات روانشناختی و رفتاری و همچنین رابطه بین کارآفرینی و شرکتهای کوچک به میزان زیادی مورد مطالعه قرار گرفت. بدین ترتیب بود که هیجان در مورد فیل کارآفرینی تا اندازه‌ای بالا گرفت که به عنوان محرک اصلی در اقتصاد معرفی شد و دهه ۱۹۸۰ به عنوان دهه کارآفرینی نامگذاری گردید.

علیرغم تمامی تلاشها، تحقیقات و یافته‌های طی دهه ۱۹۸۰ نسبتاً هدایت نشده و غیر منسجم بود. اما با نزدیک شدن به دهه ۱۹۹۰ آگاهی و دانش محققین در خصوص گستره، حد و مرز و پیچیدگی‌های این موضوع بیشتر گردید.

خلاصه فصل

کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی اداره و تقبل کند.

منافع کارآفرینی:
۱- رشد اقتصادی
۲- بهره‌وری ← به بهبود تکنیک‌های تولید و نحوه انجام تولید بستگی دارد.
۳- تکنولوژی‌ها کالاها و خدمات جدید

معیارهای سنجش کارآفرینی نوین:
۱- توانایی در بهره‌گیری از فرصت‌ها
۲- نیروی آنها در نوآوری
۳- ظرفیت آنها در قبال موفقیت

عوامل مؤثر بر رشد بهره‌وری:
۱- تحقق و توسعه $R \propto D$
۲- سرمایه‌گذاری دستگاهها و کارخانه‌های جدید
۳- قوانین و خط‌مشی‌های کلان اقتصادی دولت

دیدگاههای مختلف نسبت به کارآفرینی:

۱- اقتصاددانان:

۱- برنارد دوبلیدور: خرید به بهای نا معین و فروش طبق قرارداد
۲- کانتیلون: تمایز بین زمین‌داران، دستمزدبگیران و کارآفرینان
۳- آدام‌اسمیت: موجودیتی غیرانسانی
۴- فرانسواکنه و نیکلاس بودو: زمین منبع ثروت و کشاورزان کارآفرینان هستند
۵- کلارک: ارتباط سود کارآفرینانه
۶- دوپنگ: مؤسس را فردی دارای قدرت تحلیل ابتکار و واسطه‌گری می‌دانست.
۷- شومپیتر: کارآفرین نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است.
۸- هایک: کارآفرین نسبت به تغییرات واکنش نشان می‌دهد.
۹- کول: نوآوری زمانی موفق است که واحد ارائه‌کننده آن کارآمد باشد.
۱۰- دانهوف: تصمیم‌گیری نقش بنیادی در عملکرد کارآفرین دارد.
۱۱- کرایزنر: کارآفرینی یعنی آگاهی از فرصت‌های سودآور کشف نشده
۱۲- شولتز: کارآفرینی توانایی مقابله با عدم تعادل است نه عدم قطعیت
۱۳- هربرت ولینک: کارآفرین متخصص پذیرش مسئولیت برای اتخاذ تصمیمات است
۱۴- **کامسون:** تخصص در هماهنگی در منابع کمیاب
۱۵- رونشتات: فرآیند پویایی ایجاد ثروت بیشتر
۱۶- ویلکن: کارآفرینی به عنوان یک تسریع‌کننده

۲- علوم رفتاری
- ۱- لمب: کارآفرین به عنوان تصمیم‌گیرنده
- ۲- مک‌کله‌لند: کارآفرین یک شرکت را سازماندهی و ظرفیت تولیدی آن را افزایش می‌دهد.
- ۳- برگر: کارآفرین دارای صفاتی مانند جسور، مخاطره‌جو، مخاطره‌پذیر و مجری
- ۴- هاری: فعالیت کارآفرین به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- وظیفه اجرایی ۲- رابط بودن
- ۵- گوایر: تنوع فرهنگی را در نظر گرفته و عوامل مختلف موثر بر تفاوت رفتار را معرفی می‌کند.
- ۶- واندرورف و براش: کارآفرینی به عنوان یک فعالیت تجاری مشتمل بر اشتراک رفتارهای زیر است: ۱- ایجاد، ۲- مدیریت عمومی، ۳- نوآوری و خلاقیت، ۴- ریسک‌پذیری ۵- قصد و نیت

۳- مدیریت
- ۱- لیبنشتاین: کسی که با اجتناب از بی‌کفایتی‌های دیگران به کامیابی برسد.
- ۲- کالینز و مور: بین کارآفرین نوآور و کارآفرین اداری فرق قائل شده‌اند.
- ۳- شاپیرو: حادثه کارآفرینی
- ۴-کی‌یولوف: سه وظیفه نوآوری، سرمایه‌گذاری و مدیریت
- ۵- بروکهاوس: سه سطح مخاطره را شناسایی کرده
- ۶- پیترو دراکر: کارآفرینان تغییردهنده ارزش‌ها، رفتارگرا و عمل‌گرا هستند.
- ۷- بائومول: فعالیت کارآفرینانه بر دو نوع است ابداعی و تقلیدی

انواع کارآفرینی
- ۱- کارآفرینی فردی
  - ۱- کارآفرینی مستقل (آزاد) ← انگیزه‌های اولیه
    - ۱- نیاز به پیشرفت
    - ۲- علامت به آزادی و استقلال
    - ۳- احتیاج به رضایت شغلی
  - ۲- کارآفرینی درون‌سازمانی ← در وضعیت محیطی این دو نوع با هم متفاوت‌اند.
- ۲- کارآفرینی گروهی ← کارآفرینی سازمانی

انواع کارآفرینی از دیدگاه اسمیت
- ۱- کارآفرینی افزارمند
- ۲- کارآفرینی فرصت‌گرا

انواع کارآفرینی با توجه به میزان فعالیت
- ۱- کارآفرینی اداری
- ۲- کارآفرینی فرصت‌گرایانه
- ۳- کارآفرینی اکتسابی
- ۴- کارآفرینی پرورشگاهی
- ۵- کارآفرینی تقلیدی

ویژگی‌های کارآفرینان:

۱- نیاز به موفقیت
۲- استقلال طلبی
۳- تحمل ابهام
۴- کانون کنترل درونی
۵ مخاطره‌پذیری
۶- هدف‌گرا
۷- نوآور